

سنت زردهشتی در روزگار اسلامی ۱

تاریخ و سنت زردهشتی

حمیدرضا دالوند

تئیز

پارس

(زدشتیان)

دی

زند

کامان



بِنَامِ پُرورِ دکاریکتا

سنت زرده‌شی در روزگار اسلامی ۱

تاریخ و سنت زرده‌شی

حمیدرضا دالوند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم خان زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

سنت زردشتی در روزگار اسلامی ۱

تاریخ و سنت زردشتی

مؤلف: حمیدرضا دالوند

ویراستار: عسکر بهرامی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

صفحه‌آرا: مهدیه دین‌پناه

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سفیر اردہال

قیمت: ۶۷۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: دالوند، حمیدرضا، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ و سنت زردشتی/حمیدرضا دالوند؛ ویراستار عسکر بهرامی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۹۲ ص.

فروخت: سنت زردشتی در روزگار اسلامی: ۱.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۰۴۵۹-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۹۹.

یادداشت: نمایه.

موضوع: زردشتی

Zoroastrianism

موضوع: زردشتی -- تاریخ

Zoroastrianism -- History

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندي کنگره: BL1572

رده بندي ديجيئي: ۲۹۵

شماره کتابشناسی ملي: ۶۲۴۰۸۵۰

فهرست

۳ فهرست
۵ دیباچه
۱۱ گفتار نخست دست‌مایه‌های پژوهش
۱۱ پراکندگی متن‌ها
۱۳ الف. متن‌های موجود در ایران
۱۸ ب. متن‌های فارسی زردشته در هند
۱۸ گنجینه‌های موجود در کتابخانه‌های بزرگ پارسیان
۲۴ گنجینه‌های خطی کتابخانه‌های شخصی پارسیان
۲۵ گنجینه‌های زردشته شده در کتابخانه‌های بزرگ شبه‌قاره هند
۲۵ ج. گنجینه‌های فارسی زردشته در کتابخانه‌های اروپایی
۲۹ گفتار دوم بر بستر زمان
۳۱ فارس و جنوب‌غربی ایران، بزرگترین مراکز زردشته پس از ورود اسلام
۶۴ شیز و آذرآبادگان
۷۲ دیلم و طبرستان
۷۵ ری
۸۰ قم و اصفهان
۸۷ ورارود
۹۰ خراسان
۹۵ سیستان

کرمان.....	۹۷
یزد.....	۹۹
عصر روایات.....	۱۰۵
روزگار نو.....	۱۲۹
فرضیه مهاجرت و چگونگی گردآمدن زردهشیان در یزد و کرمان.....	۱۳۰
گفتار سوم میراث سنت زردهشی.....	۱۳۷
سنت زردهشی.....	۱۳۷
تبارشناسی سنت.....	۱۴۲
گویش زردهشی.....	۱۶۲
ادبیات دینی به زبان پهلوی.....	۱۶۵
حلقه‌های موبدی و شیوه کار آنان در پیدایش متون.....	۱۷۲
رده‌بندی موضوعی میراث مکتوب سنت زردهشی.....	۱۸۸
سخن پایانی.....	۲۰۵
پیوست یک: گاهنمای متون سنت زردهشی.....	۲۱۳
پیوست دو: تبارنامه دودمان‌های موبدی زردهشیان ایران.....	۲۷۱
کتاب‌نامه.....	۲۹۹
نمایه.....	۳۱۷
نمایه عام.....	۳۱۷
نمایه اشخاص.....	۳۳۷
نمایه اشخاص در پیوست‌ها.....	۳۴۹

دیباچه

سنت زردشتی در روزگار اسلامی عنوانی بحث‌انگیز است و کاستی‌هایی غیرقابل اغماض در پوشش دادن به محتوا و اهداف این پژوهش دارد، ولی واجد این ظرفیت است که رفته‌رفته به عنوانی تبدیل شود که چشم‌اندازی تازه در مطالعات کیش زردشتی ایجاد کند. شاید همین ابهام‌های نهفته در آن، تناسبی با واقعیت موضوع تحولات این کیش کهن در روزگار چیرگی اسلام بر ایران داشته باشد. به دیگر سخن، هر اندازه که عنوان ابهام دارد، موضوع نیز مبهم است و در تاریکی فرو رفت. پس باید کوشید با روشن‌ساختن ابعاد تاریخ، فرهنگ، دین و زندگی اجتماعی زردشتیان در ایران پس از اسلام، به تعریف عنوان یادشده و ابهام‌زدایی از آن پرداخت.

با این همه، آنچه از مفهوم «سنت» اراده می‌شود، گستره‌ای وسیع از تحولات جامعه شریعت‌مدار زردشتی و حفظ و انباشت آن در قالب «میراث» مکتوب و شفاهی یا مادی و معنوی است. ارکان اصلی این گستره شامل تاریخ کیش زردشتی و جامعه مؤمنان آن، الگوی مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های جمعیتی و کانون‌های زردشتی در دوره‌های مختلف، شناخت حلقه‌ها و هیربدستان‌های پدیدآورنده متون و مفاهیم دینی و متولی شریعت رایج، همچنین برشماری میراث مکتوب بر جای مانده و بررسی و طبقه‌بندی و احیا و تحلیل و تفسیر آن است.

«سنت زردشتی در روزگار اسلامی» حوزه‌پژوهشی نگارنده در یک دهه گذشته بوده و وی بر آن است تا با اختصاص طرح‌های موظف پژوهشی خود در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بدان، به تدریج زمینه معرفی بیشتر این گستره از ایران‌شناسی را فراهم سازد. از این‌رو عبارت موصوف عنوان فروست آثار پژوهشی است که به شرط لطف یزدان در آینده تقدیم خواهد گان فرزانه و فرهیخته خواهد شد. باشد که چنین باد!

آنچه در این دو دفتر تقدیم خواننده می‌شود، تحدید مرزها و نشانه‌گذاری قلمرو موضوع سنت زرده‌شی است و کوشش می‌شود تا فقط موضوع‌ها مطرح شوند. موضوع‌هایی چون تاریخ، حلقه‌های موبدی، گویش، دودمان‌های موبدی، نامنامه و نامشناصی، رده‌بندی متن‌ها و متن‌شناسی و نسخه‌پژوهی آثار فارسی زرده‌شی، در این بررسی طرح و یاد شده‌اند، ولی هیچ‌یک از آنها دقیق شرح و تحلیل نشده‌اند و نگارنده هم نه در پی انجام چنین کاری، بلکه مورد نظر او، بیش از هر چیز دیگر، طرح و بیان اهمیت هر موضوع و ارائه نمونه‌ای از آن، بوده است.

جلد نخست، که درآمدی بر موضوع سنت زرده‌شی و متون آن است، به منظور ارائه بینشی تاریخی درباره متن‌های فارسی زرده‌شی، و اهمیت، شرایط و جایگاه آنها فراهم آمده است. مطالب این جلد در سه فصل جداگانه ساماندهی شده‌اند: در فصل نخست، «دست‌مایه‌های پژوهش»، شرحی از کتابخانه‌ها و گنجینه‌های خطی زرده‌شی در سراسر جهان آمده است و فهرست‌های مهم معرفی، و چگونگی شکل‌گیری کتابخانه‌ها، مجموعه‌ها و شرایط آنها گزارش شده‌اند، با این هدف که پژوهشگر از مطالعه آن تصویری از محل نگهداری متون به دست آورد و دریابد که برای دسترسی به آنها چگونه و با چه ابزاری باید اقدام کند.

فصل دوم، با عنوان «بر بستر زمان»، پژوهشی درباره تحولات تاریخی کانون‌های زرده‌شی نشین ایران در دوره پس از ورود اسلام است که هدف از تدوین آن ارائه چارچوبی از واقعیت‌های تاریخی و چگونگی نقل و انتقال جامعه زرده‌شی پدیدآورنده این متون است. گفتنی است که کسانی چون مری بویس^۱، جمشید چوکسی^۲، رشید شهردان، جهانگیر اوشیدری و کتایون نمیرانیان تلاش‌های ارزشمندی برای شناخت جامعه زرده‌شی ایران روزگار اسلامی انجام داده‌اند، با این همه، مثلاً هنوز به درستی نمی‌دانیم که چگونه بقایای این جامعه در مناطق مرکزی ایران گرد آمد و حیاتش را پی گرفت. در این فصل کوشش شده است تا به کمک گزارش‌های تاریخی، وضعیت کانون‌های مختلف زرده‌شی نشین ایران در روزگار اسلامی بررسی، و تصویری از تحولات آنها به دست داده شود و شاید بتوان گفت که در اینجا برای نخستین بار یک چارچوب مشخص ارائه گردیده است. البته این طرح و چارچوب بی‌گمان هنوز خام و ناپروردۀ

است و چه بسا پژوهشگری در بررسی‌های ژرف‌تر باستان‌شناسی، سکه‌شناسی و مردم‌شناسی آن را زیر سؤال برد یا حتی به کلی باطل سازد. با این حال همین طرح می‌تواند برای شروع کار، به ویژه در پژوهش‌های متون فارسی زرده‌شده، راه‌گشا باشد. آن چه نگارنده را به چنین اقدام جسورانه‌ای واداشت، احساس نیاز به تصویری از بستر تاریخی پیدایش متون بود.

فصل سوم، «ستّ زرده‌شده و ابعاد آن»، به تعریف مفهوم ستّ، ابعاد آن، وضعیت میراث مکتوب این حوزه، تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی این میراث، و چگونگی پیدایش متون می‌پردازد، با این هدف که پژوهشگر، جایگاه و اهمیّت و ابعاد متون فارسی زرده‌شده را دریابد و پدیدآورندگان آنها را نیز بشناسد.

افزون بر فصل‌های سه‌گانه، دو پیوست بر جلد نخست افزوده شده‌اند: در پیوست یکم، کوشش شده است تا نام تمامی شخصیّت‌های زرده‌شده که در لابه‌لای متون آمده‌اند، به ترتیب زمان، فهرست شوند. به کمک همین فهرست می‌توان، هنگام مطالعه و بررسی نسخه‌ها و متون نویافته، نام‌ها و شخصیّت‌های علمی و دینی زرده‌شده را به آسانی شناسایی کرد و جایگاه تاریخی آنها را مشخص ساخت. پیوست دوم، نمودار تبارنامه‌ها، شجره‌نامه دودمان‌های موبدی زرده‌شده‌شده یزد، کرمان، سیستان و خراسان است. این نمودار در جزئیات خالی از خطأ نیست، ولی تصویری کلی از دودمان‌های موبدی، که پدیدآورندگان متون و ناقلان ستّ بوده‌اند، را ارائه می‌دهد.

در جلد نخست، به ویژه فصل‌های دوم و سوم، به سبب نبود منابع کافی، فرض، حدس و گمان بسیار دیده می‌شود. با اذعان به این کاستی و نقص بزرگ، که با رویه‌های تاریخ‌نگاری ناسازگار می‌نماید، باید گفت آنچه پیش روست، گزارش دیده‌ها، شنیده‌ها و دریافت‌های نگارنده از گشت‌وگذار در پهن‌دشت ستّ زرده‌شده و متون آن به فارسی نو است. نگارنده کوشیده است، تا چشم کار می‌کند، افق‌های دور را ببیند و ثبت کند و نشانه بگذارد. لزوم و ضرورت کار به او جرأت داد تا در این راه دشوار گام نهد. نگارنده مدعی نیست یافته‌هاییش حقیقت محض است؛ چه بسا دریافت او ناقص و دور از حقیقت باشد. اما شاید ثبت و یادکرد همین دریافت‌ها باشد که در مرزبندی موضوع مؤثر افتاد، و رهروان بعدی را رهنمای و یاریگر شود. انتظار نمی‌رود که خواننده هر آنچه که در این نوشته آمده است را واقعیّت مسلم بپندازد و چشم‌بسته به کارش گیرد. بلکه امید است آن

را با دید انتقادی بخواند و ضمن بهره بردن از پاره‌ای نکاتش (چه بی‌گمان خالی از فایده نیست)، کاستی‌ها و خطاهایش را یادآور شود و در اصلاح و تکمیل این طرح یاری رساند. زیرا چنان‌که اشاره شد، نویسنده، با ابزار و اطلاعات ناقص موجود، تنها کوشیده است نقشه راهی برای چنین طریق دشوار و سنگلاخی تهیه سازد.

نمونه‌ای از دشواری‌های کار، شناخت تبار دوelman‌های موبدی ایران در روزگار اسلامی است، دوelman کسانی که پدیدآورندگان متن‌های زردشتی بوده‌اند. نتیجه این تلاش که در نمودارهای پیوست جلد یکم آمده است، از نظر نگارنده چندان رضایت‌بخش نیست و هنوز، در جزئیات، کاستی‌ها و چه بسا خطاهایی دارد. ولی، با این همه، نتیجه در کلیت سودمند است و دست کم نشان می‌دهد که در سنت زردشتی با دوelman‌ها روبرو هستیم نه با افراد. این نتیجه و نوع نگاه در تحلیل و شناخت و گزارش متن‌ها بسیار یاری گر است.

جلد دوم، نه تحلیل و تفسیر متون فارسی زردشتی، بلکه معرفی آنها بر مبنای اطلاعات موجود است. در این جلد، معرفی آثار خطی و چاپ سنگی فارسی زردشتی آمده است و دست‌نویس‌های موجود از آنها در کتابخانه‌های بزرگ دنیا، از روی فهرست‌ها معرفی شده‌اند. این معرفی، بر اساس رده‌بندی موضوعی ارائه شده در فصل سوم از جلد نخست، در دوازده فصل تدوین شده است؛ گو اینکه ممکن است اثری، به سبب چند وجهی بودنش، لزوماً منحصر به یک گروه نباشد.

علی‌رغم تلاش‌های بسیار، امکان دسترسی به همه دست‌نویس‌ها فراهم نیامد و اغلب مطالب، چنان‌که اشاره شد، مبتنی بر گزارش فهرست‌نویسان است، بنابراین – همچنان‌که در فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی نیز اجتناب‌ناپذیر است – خطاهای فهرست‌نویس ناگزیر به این اثر هم راه یافته‌اند. از این رو، باز هم باید تأکید کرد که متن فراهم‌آمده در اینجا تنها ابزاری است که سرنخ‌ها و گزارش‌های پراکنده را – به همراه کاستی‌ها و خطاهایشان – در کنار هم قرار داده است. پس توصیه به خواننده، و به ویژه به کاربر این اثر، حفظ نگاه معتقدانه و کوشش برای تصحیح کاستی‌های فراوان آن است.

جلد نخست این کتاب، کار موظف نگارنده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است و جلد دوم، نسخه‌ای ویراسته از رساله دکتری اوست که در همین مؤسسه از آن دفاع کرده است و در سفری یک ماهه به هندوستان با نسخ موجود در دو کتابخانه

مهرجی رانا در نوساری و کتابخانه دانشگاه بمبئی تطبیق داده شده است. نگارنده از مدیران و مسئولان پژوهشگاه علوم انسانی برای ایجاد چنین فرصتی و از استادان پژوهشکده زبان‌شناسی این مؤسسه — که همواره یاور و رهمنا بوده‌اند — سپاسگزاری می‌کند: دکتر حمیدرضا آیت‌الله‌ی و دکتر شهرام یوسفی فر به خاطر حمایت از این طرح و تصویب موضوع آن و دکتر حسینعلی قبادی به سبب حمایت و کمک شایان ایشان برای سفر به هند و تکمیل پژوهش پیش رو مرا مرهون لطف خویش کردند. استادان و همکارانم در گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در پژوهشگاه، استاد فرزانه، جناب آقای دکتر محمدتقی راشد محصل، از سر لطف، کار را خواندند و با راهنمایی‌ها و داوری‌های دقیق و نکته‌سنجد همچون همیشه مرا مديون محبت خود ساختند. استادم، سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی، گاه و بی‌گاه پذیرای پرسش‌های فراوان من درباره متون فقهی پهلوی، بهویژه دادستان دینیک، و نقش آنها در سنت زردهشتی بودند. استاد بزرگوارم، سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار، که خود آغازگر این راه پر فراز و نشیب بوده‌اند، ضمن داوری صورت‌های مختلف این پژوهش و یادآوری نکات دقیق، به هر بهانه و مناسبتی مشوق بندۀ در تکمیل کار بودند. استاد دکتر رسول خیراندیش منت گذاشتند و کار را خواندند و اطلاعات ارزشمندی درباره زردهشتیان فارس در اختیار اینجانب نهادند. استادم، سرکار خانم دکتر کتایون مزادپور، که از آغاز تا انجام کار همواره در کنارم بودند و به همراه استادان، دکتر زهره زرشناس و دکتر امید ملّاک بهبهانی، سمت راهنمایی و مشاوره رساله دکتری مرا بر عهده داشتند، راهنمای و حامی انجام پژوهش پیش رو بودند. بی‌اغراق، ساعت‌ها تلفنی و حضوری با دکتر مزادپور درباره مسائل مختلف سنت زردهشتی گفتگو شد و با گشاده‌رویی و مهربانی همیشگی پاسخ‌گو بودند. دوست نازنین، دکتر سیروس نصرالهزاده، که ایده کار بر روی سنت زردهشتی و متون فارسی زردهشتی زاده ذهن خلاق ایشان است، مرا به این وادی رهنمون ساختند، همراه و همیارم در این راه دشوار بودند و انجام این کار از جهات بسیار مديون تلاش و مهر و همت والای حضرتشان است. دوست و همکار فرهیخته، سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب، نیز کار را به‌دقّت خواندند و راهنمایی نمودند. دوست نازنین و فرهیخته‌ام، دکتر عسگر بهرامی، ضمن داوری و راهنمایی‌های بسیار، ویراستاری کار را بر عهده داشتند و ایشان بودند که با ظرفت آن را آراستند و پیراستند. دوست ارجمند، دکتر شروین فریدنژاد، نیز کار را خواندند و نکات

ارزشمندی پیرامون کتاب‌نامه مرحمت کردند. بهزاد نفیسی (میستری)، دانشجوی فرزانه و کوشای پژوهشگاه، زحمت نمونه‌خوانی و نمایه‌سازی دشوار جلد اول کتاب را کشیدند. متولیان ارجمند کتابخانه‌ها و کتابداران فرهیخته بسیاری مرا راهنمایی کردند و یاری رسانیدند که اگرچه امکان آوردن نام همه نیست ولی ناگزیر به یادکرد موسسه‌های ذکر شده هست: کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه بخش‌های نسخ خطی و ایران‌شناسی، کتابخانه مرکز دائرۀ المعارف بزرگ اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی ملک، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه اردشیر یگانگی وابسته به انجمن زردشتیان تهران، کتابخانه نخست دستور مهرجی‌رانا در نوساری و کتابخانه دانشگاه بمبئی. دوست ارجمند دکتر مجتبی تبریزی‌نا و همکاران وی در انتشارات آبادبوم برای حروف‌چینی اثر از سر لطف مرا یاری کردند. همکارانم در انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به ویژه جناب آقای ناصر زعفرانچی مدیر سابق و دکتر یدالله رفیعی مدیر فعلی انتشارات، جناب آقای دکتر محمدحسین محمدی، معاون انتشارات، و دیگر عزیزان بخش‌های صفحه‌آرایی و چاپ و نشر، دلسوزانه در آماده‌سازی و چاپ این کتاب زحمت کشیدند. لطف همه این عزیزان را با دیده‌منت می‌پذیرم و تندرنستی و شادی برایشان آرزو دارم. در پایان نیز باید یادآوری کنم که این کار هرگز به پایان نمی‌رسید مگر با همدلی و فداکاری همسرم، زهرا وطن‌دوست، که بار سنگین زندگی به دوش اوست و همراهی فرزندان عزیزم، سریرا و اهورا، که امید و آرامش را برایم فراهم ساخته‌اند.

حمدی‌رضا دالوند

۱۳۹۸ دی

گفتار نخست

دست‌مایه‌های پژوهش

پراکندگی متن‌ها

پراکندگی متن‌های فارسی زرده‌شده، بهسان دیگر متن‌های این کیش کهن به اوستایی و پهلوی (فارسی میانه) و نیز به زبان‌های هندی چون سنسکریت و گجراتی، پژواک تاریخ پرفراز و نشیب آن است. زرده‌شد در سپیده‌دمان مه‌آلود تاریخ ایران ایستاده است. دین مردی در هومستان‌های ساحل رود وه‌دایتی در ایران‌نویج که سخت می‌توان سیمای وی را از پس غبار هزاره‌ها برشناخت. چنان تار می‌نماید که حتی برخی دانش‌پژوهان ریزبین در مقام انکارش برآمده‌اند (نک: کلنر ۱۳۸۶: ۱۱۷، ۱۰۱). میراث او هزاران سال بعد، گاه به دست اعقاب دشمنانش یعنی کوی‌ها و کَرَپَن‌ها و اوسيچ‌ها، و یا شاید مغان مادی، به گونه‌ای دست‌خوش دگرگونی و آمیختگی گردید که بازشناسی آموزه‌های راستین پیامبر را دشوار ساخت. تازش اسکندر، ویرایش‌های پسین زمان اشکانیان و بازآفرینی‌ها و تفسیرهای معطوف به زمان در روزگار ساسانیان، برآمدن اسلام و فروپاشی اقتدار تشکیلات و نهادهای موبدان، پراکنده‌شدن دین‌داران و استواران بر کیش کهن در سرزمین های هندوستان تا چین، تنش‌های اجتناب‌ناپذیر میان ایرانیان نومسلمان و کهن‌کیشان زرده‌شده در ایران و وقایع بسیار دیگر، همه و همه، تاریخی را ساختند که میراث مکتوب زرده‌شته در پهنه آن و با توجه به ضرورت‌های آن، پدید آمده است.

آمدن اسلام دگرگونی ژرفی در جامعه ایران پدید آورد. با فروپاشی شاهنشاهی ساسانی، اقتدار نهادهای دینی نیز فروپیخت. ایرانیان به تدریج، در فرآیندی دویست تا سیصد ساله، اسلام آوردنده و پیروان کیش کهن، که تا چندی پیش فرمانروایان بی‌رقیب ایرانشهر بودند،

با پذیرش حاکمیت حکومت اسلامی به پرداخت جزیه تن دردادند (نک: چوکسی ۱۳۸۱) و تا به امروز، متناسب با ارزش‌های دین نو، کیش کهن را تعديل و حفظ نموده‌اند. متون فارسی زرده‌شی حاصل روزگار ستیز و سازشِ دو دین نو و کهن در ایران، و میراثی است که زرده‌شیان در جامعه اسلامی پدید آورده‌اند؛ از این‌رو صورتی پویا و سنتی زنده از دینی کهن را باز می‌تاباند که در تعامل با اسلام و درون جامعه اسلامی به حیات خود ادامه داده است.

کاهش تدریجی جمعیت جامعه زرده‌شی و سرانجام گردآمدن آنها در نواحی مرکزی ایران، به‌ویژه در زید و کرمان، تا پایان روزگار صفویه، همچنین تماس پارسیان هندوستان با زرده‌شیان ایران از سده نهم یزدگردی به بعد — که در انتقال مکتوبات زرده‌شیان ایران به هند نقش مهمی داشت — عاملی اصلی در ترسیم پراکندگی گنجینه‌های زرده‌شی به فارسی نو، یا فارسی زرده‌شی، در سراسر جهان است.

اغلب متون در ایران و از بازتولید متون کهن پدید آمدند و سپس به هندوستان انتقال یافته‌ند. در هند نیز واپسین نسل موبدان پارسی فارسی‌دان بارها آنها را بازنویسی و تدوین کردند. همچنین، بخشی از این متن‌ها، چه در ایران و چه در هند، به دست پژوهشگران یا سوداگران آثار فرهنگی افتادند و به کتابخانه‌های بزرگ و مراکز دانشگاهی غرب، بیشتر اروپا، انتقال یافته‌ند. افزون بر این، قسمتی از آن، چه در ایران و چه در هند، از جامعه زرده‌شی به بیرون درز کرد و به کتابخانه‌ها و مراکز علمی غیرزرده‌شی راه پیدا کرد. بنا بر آنچه اشاره شد، متن‌های فارسی زرده‌شی را در پیوند با پراکندگی جغرافیایی آنها چنین می‌توان تقسیم کرد:

الف. متن‌های موجود در ایران:

– درون جامعه زرده‌شی:

– متن‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی زرده‌شی

– متن‌های موجود در کتابخانه‌های شخصی دودمان‌های موبدي

– بیرون از جامعه زرده‌شی، فهرست شده در کتابخانه‌های مراکز علمی و دانشگاهی کشور

ب. متن‌های فارسی زرده‌شی در شبۀ قاره هند:

– گنجینه‌های موجود در کتابخانه‌های بزرگ پارسیان

– گنجینه‌های کتابخانه‌های شخصی پارسیان

- گنجینه‌های فهرست شده در کتابخانه‌های عمومی و دانشگاه‌های شبه‌قاره
- ج. متن‌های فارسی زردشتی در غرب:
- اکثرًا در بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه و ایالات متحده آمریکا

الف. متن‌های موجود در ایران

در ایران که زادگاه متن‌های موضوع بررسی است، بر خلاف انتظار، نه گنجینه‌های پراهمیت و اصلی دیده می‌شود و نه تلاش چشم‌گیر و مستمری — بهویژه در جامعه زردشتی — برای سامان‌دهی و تمرکز متن‌های موجود صورت گرفته است. جامعه زردشتی همواره کوشیده است چنین کاستی بزرگی را در پرتو ناملایمات روزگار و زمانه ناسازگار توجیه کند؛ ولی واقعیت امر این است که این توجیه فقط بخشی از علت این پریشانی را بیان می‌کند. در واقع هم زردشتیان و هم جامعه علمی و فرهنگی ایران به سهم خود در پیدایش چنین وضع ناگواری سهیم‌اند. نیک روشن است که موبدان زردشتی بسیاری از متن‌های فارسی را در پاسخ به نیاز همکیشان پارسی خود تدوین کرده‌اند و از سده نهم یزدگردی به هندوستان فرستاده‌اند. روند تدریجی انتقال متون از ایران به هندوستان از یک سو، و ناملایمات روزگار که به برافتادن دودمان‌های بزرگ موبدی انجامید، از دیگر سو، سبب شد تا رفته‌رفته جامعه زردشتی ایران از گنجینه‌های کهن تهی شود.

در روزگار ناصرالدین شاه قاجار، سرپرستی زردشتیان ایران توسط بنیادهای پارسیان هندوستان، که با آمدن مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا آغاز شد، در بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایشان بسیار مؤثر افتاد و محدودیت‌های اجتماعی و مشکل جزیه را برایشان مرتفع ساخت. اما شخص مانکجی صاحب، که دانش‌مردی کتاب‌دوست و کتاب‌باز و کتاب‌ساز بود، نقش مهمی نیز در انتقال گنجینه‌های کهن ایران به هندوستان داشت و تهی ساختن ایران از متون کهن را سبب گشت. طرفه اینکه زردشتیان ایران علی‌رغم سالیان دشواری که پس از فروپاشی دولت ساسانی سپری کرده بودند، به گواهی انجام‌های متون های موجود، گنجینه‌های بسیاری را تا میانه دوره قاجار حفظ نمودند و نقش تاریخی بی‌بدیلی در نگهداری و انتقال میراث کهن و باستانی ایران داشتند و، از این حیث، جامعه ایرانی مدیون فدایکاری بزرگ دودمان‌های زردشتی است. ولی با نزدیک شدن به روزگار معاصر، زردشتیان هر چه بیشتر از نقش و جایگاه تاریخی خویش غافل می‌گردند. گفتنی است که از روزگار مشروطه به این سو، نه تنها از محدودیت‌های اقلیت بودن در ایران

کاسته می‌شود، بلکه به تدریج نگاه جامعه ایرانی نسبت به زرده‌شیان تغییر می‌یابد و روشن فکر ایرانی هویت خویش را در میراث زرده‌شی جستجو می‌کند. به موازات این تغییر شگرف، حضور زرده‌شیان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران نیز پررنگ‌تر می‌شود؛ ولی در عین حال نسل نوی زرده‌شی میراث فرهنگی خود را به فراموشی می‌سپارد و برخلاف نیاکانش — که مرجع جامعه زرده‌شی در سراسر گیتی بودند — چشم به جامعه پارسیان هند می‌دوزد و از جامعه‌ای مرجع به جامعه‌ای مقلد فرو می‌افتد. این امر چنان حائز اهمیت است که دینشاه ایرانی را در آغازین سال‌های سده چهاردهم خورشیدی به واکش واداشت تا زرده‌شیان ایران را متوجه چین سقوط جایگاهی بسازد (نک: ایرانی، دینشاه ۱۳۰۵: ش ۱: ۵-۱).

زرده‌شیان ایران، از عصر مشروطه تا به امروز، کمایش موقعیت خوبی در جامعه ایران داشته‌اند. فرهیختگی و باسادی اعضای جامعه زرده‌شی، پشتونه اقتصادی خانواده‌ها، ارتباط مستمر با هند و ایفای نقش در انتقال فناوری‌های نوین به ایران، و همچین رشد آگاهی جامعه ایرانی نسبت به اهمیت میراث فرهنگی زرده‌شیان، عواملی بودند که مشارکت پیروان آیین زرده‌شی را در جامعه ایران روزگار پهلوی به اوج خود رسانید. اما از این فرصت استفاده بهینه‌ای برای پیدایش نهادهای علمی و فرهنگی زرده‌شی و گردآوری و ساماندهی و بازخوانی علمی میراث مکتوب زرده‌شیان نشد. انجمن زرده‌شیان تهران، به عنوان مهم‌ترین نهاد حقوقی جامعه زرده‌شی، و دیگر انجمن‌های محلی زرده‌شی، اگر نگوییم هیچ قدمی برنداشته‌اند، باید گفت کار چشم‌گیری، آن‌گونه که در خور اهمیت میراث ارزشمندان بود، هم انجام نداده‌اند. در روزگار پهلوی، نهضت شایان ستایشی در گردآوری، ساماندهی و فهرست‌نگاری دست‌نویس‌های کهن ایرانی پدید آمد و کارهای مهمی صورت گرفت که اگر نمی‌شد و نمی‌بود، ما امروز آنچه از میراث مکتوب نیاکانمان داریم در دست نداشیم. اما دامنه این حرکت فرهنگی به جامعه زرده‌شی کشانیده نشد و زرده‌شیان ایران حتی فهرست مدونی از داشته‌های مکتوب خود تهیه نکرده‌اند تا چه رسد به گردآوری و ساماندهی آنها.

به هر روی، آنچه صورت گرفت و چون کوششی درخور باید از آن یاد کرد، بنیان نهادن چند کتابخانه، چون کتابخانه و موزه انجمن زرده‌شیان کرمان، کتابخانه‌های هورشت^۱

و بزرگ‌چمی در یزد، و کتابخانه اردشیر یگانگی و کتابخانه مارکار در تهران، است. به این فهرست، کتابخانه‌های کوچک مدارس و نهادها و موقوفات دینی زرده‌شده در سراسر کشور را نیز باید افزود. تا کنون مطالعه جامع و دقیقی در سرگذشت کتاب و کتابخانه در میان زرده‌شیان ایران صورت نگرفته است، ولی چنان‌که پیداست، مهم‌ترین اینها دو کتابخانه هورشت یزد، و کتابخانه یگانگی تهران بوده‌اند، زیرا این دو افرون بر کتاب‌های چاپی، گنجینه‌های ارزشمندی از کتاب‌های خطی و چاپ‌سنگی نایاب را نیز داشته‌اند. کتابخانه هورشت یزد، به تدریج از میان رفت. شماری از آثار خطی و چاپ‌سنگی این کتابخانه به کتابخانه یگانگی تهران انتقال یافت، و شمار دیگری از نسخ گویا از میان رفته‌اند. در حال حاضر کتابخانه یگانگی تهران، وابسته به انجمن زرتشیان تهران، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گنجینه آثار زرده‌شده در ایران را شامل می‌شود که هم به لحاظ حجم آثار و هم داشتن نسخ خطی و کتاب‌های چاپ‌سنگی و نیز به دلیل آثار زرده‌شده چاپ‌هند، ارزش و اهمیّت بسیار دارد.

جای بسی تأسف است که زرده‌شیان هیچ‌گاه در ثبت رسمی داشته‌های جامعه خویش نکوشیده‌اند. به عنوان نمونه، اگر آثار کتابخانه هورشت یزد، فهرست نویسی شده بودند و فهرست آنها انتشار یافته بود، امروزه هم این آثار قابل پیگیری بودند و هم فهرستی از واپسین داشته‌های زرده‌شده را در دست داشتیم. کتابخانه یگانگی نیز با همه اهمیّتی که دارد، نه شرایط مناسب نگاهداری آثار را دارد و نه فهرست علمی دقیقی از گنجینه‌های خطی و سنگی خود تهیّه و چاپ کرده است، چنان‌که حتی ارجاع به آثار خطی آن مجموعه کاری دشوار است.

وقتی نهادهای عمومی چنین پریشان باشند و دسترسی بدان‌ها دشوار، دیگر از کتابخانه‌های شخصی و آثار خطی و گران‌بهاشان نباید انتظاری داشت. سنت نشان می‌دهد که دودمان‌های بزرگ و خاندان‌های موبدی همواره میراث گران‌بهایی داشته‌اند و هنوز هم دارند که دست‌به‌دست در خانواده‌ها گشته تا به روزگار ما رسیده‌اند، اما با دگرگونی نگاه در خانواده‌های زرده‌شده، این آثار اینک در معرض آسیب جدی قرار گرفته‌اند. شاید تلاش شایان تقدیر دکتر کتابیون مزادپور، که در سال‌های اخیر به معرفی و نشر آثار اوستایی خانواده‌های زرده‌شده با همکاری دکتر آلبرتو کانترا^۱ پرداخته است،

واکنشی به این مهم باشد. با وجود این، هنوز اطلاع دقیقی از داشته‌های شخصی خاندان‌های زرده‌شی در دست نیست و فهرستی از آنها، بهویژه از متن‌های فارسی زرده‌شی موجود در کتابخانه‌های شخصی یا کتابخانه‌های کوچک نهادهای دینی و مدارس، منتشر نشده است. از این‌رو باید گفت که دسترسی به متون زرده‌شی، بهویژه متون فارسی زرده‌شی موجود در مراکز فرهنگی و دینی زرده‌شیان ایران، دشوارتر از هرجای دیگر است و فقط در پرتو روابط دوستانه، غیررسمی و خانوادگی ممکن است؛ نه با استفاده از شیوه‌های اطلاع‌رسانی و کتاب‌داری رسمی، علمی و مدرن رایج.

اگرچه دسترسی به متون موجود در جامعه زرده‌شی دشواری‌های خاص خود را داراست، ولی در مراکز فرهنگی و کتابخانه‌های بزرگ و عمومی ایران، خوشبختانه، وضعیت بهسامان‌تری حاکم است: کتابخانه ملی ایران، به عنوان کتابخانه اصلی کشور و بنا بر وظيفة بزرگی که در قبال فرهنگ ایرانی و گردآوری میراث مکتوب آن دارد، متون زرده‌شی را، از روزگار قاجار به این سو، گردآوری کرده است. برخی از این آثار بنا بر ضرورت‌های فرهنگی و سیاسی، از طرف رهبران جامعه زرده‌شی به دربار قاجار راه یافته‌اند و در شمار میراث کتابخانه سلطنتی به کتابخانه ملی انتقال یافته و هسته اولیه این کتابخانه را تشکیل داده‌اند (نک: دستنویس ۷۲۴-۷۲۵). پاره‌ای دیگر آثاری هستند که از جامعه زرده‌شی به بیرون راه یافته و دست‌به‌دست گشته تا در کتابخانه ملی جای گرفته‌اند (نک: دستنویس ۲۵۱۷۰-۲۵۱۷۵). و سرانجام آثاری که از هند و میراث دودمان‌های مودی پارسیان به دست سوداگران افتاده و راهی ایران شده‌اند و کتابخانه‌های بزرگ، و بهویژه کتابخانه ملی، آنها را خریده‌اند. از این مورد اخیر به عنوان نمونه از مجموعه معروف به «مجموعه نوازی» باید باد کرد که حسین نوازی، کتابدار کتابخانه دربار پهلوی، آن را خریداری کرد. این مجموعه در نهایت به کتابخانه ملی انتقال یافت (نک: دالوند ۱۳۹۲-۴۸۳۳). در کنار آثار خطی، چاپ‌سنگی و مطبوعات زرده‌شی، از اسناد اداری، سیاسی، و اقتصادی این جامعه نیز باید کرد که طی یک صد سال اخیر پدید آمده‌اند و اینک در بخش اسناد کتابخانه ملی، یا دیگر نهادها و سازمان‌های اسنادی کشور نگهداری می‌شوند.

کتابخانه مجلس شورای اسلامی (کتابخانه مجلس شورای ملی سابق) — که ارباب کیحسرو شاهرخ، یکی از رهبران و نمایندگان بر جسته جامعه زرده‌شی، از جمله بنیان گذاران آن است — در بردارنده آثار زرده‌شی ارزشمندی است و به مرور ایام در خرید، نگهداری و حفظ نسخه‌های زرده‌شی از دست واسطه‌ها، بهویژه نسخی که از هند به ایران

می‌آیند، کوشیده است. آثار زرده‌شده موجود در کتابخانه مجلس را شاید بتوان به دو دسته تقسیم کرد: آثاری که در آغاز تأسیس توسط بزرگانی چون ارباب کیخسرو شاهرخ به کتابخانه راه یافته‌اند؛ و دیگر، آثار هندی و ایرانی که وارد بازار فروش نسخه‌های خطی در ایران شده‌اند و کتابخانه مجلس آنها را خریده است. امروز اغلب این گنجینه‌ها اسکن شده‌اند و به آسانی در دسترس قرار دارند.

کتابخانه دانشگاه تهران، مهم‌ترین مرکز دانشگاهی ایران است که در گردآوری متون زرده‌شده و از آغاز تأسیس تاکنون پیوسته متون زرده‌شده را خریداری و تهیه کرده است. این مرکز امروزه گنجینه قابل ملاحظه‌ای شامل نسخه‌های خطی، کتاب‌های چاپ‌سنگی، چاپی، و عکسی و نیز میکروفیلم به اوستایی و پهلوی و فارسی زرده‌شده دارد. مهم‌ترین مزیت گنجینه دانشگاه تهران داشتن میکروفیلم‌هایی از متون فارسی زرده‌شده است که اصل آنها در کتابخانه‌های بزرگ اروپایی نگاهداری می‌شوند.

از دیگر کتابخانه‌های بزرگ ایران که دربردارنده متون فارسی زرده‌شده هستند، باید کتابخانه ملی ملک در تهران را یاد کرد که برخی آثار زرده‌شده را خریداری کرده است. کتابخانه مسجد و مدرسه سپهسالار (مطهری امروز) در تهران، کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد، و کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، نیز کمایش به گردآوری آثار زرده‌شده و این کار را به‌طور پیوسته ادامه می‌دهند. همچنین، در مرکز دایرۀ‌المعارف بزرگ اسلامی و کتابخانه بزرگ آن، گنجینه گرانبهایی از متون زرده‌شده به زبان‌های مختلف تهیه شده است که بخشی از این مجموعه، شامل آثار خطی و کتاب‌های نایاب چاپ‌سنگی است.

هرچند هنوز فهرست کاملی از متون موجود در جامعه زرده‌شته منتشر نشده است، خوب‌بختانه بیشتر کتابخانه‌های بزرگ ایران گنجینه‌های خود را فهرست کرده‌اند. در کنار فهرست کتابخانه‌های بزرگ، از دو کار مهم دیگر باید یاد کرد: یکی تلاش زنده‌یاد احمد منزوی که فهرستی درهم کرد از فهرست‌های موجود را با عنوان فهرستواره کتابهای فارسی فراهم آورد و دیگری فهرست دستنوشته‌های ایران (دنا) به کوشش مصطفی درایتی (۱۳۸۹). این دو اثر پژوهشگران را تا حدودی از مراجعه به فهرست‌های متعدد بی‌نیاز کرده‌اند. همچنین با رشد روند دیجیتالی کردن متون و ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی گوناگون، از جمله پانک اطلاعات کتب و نسخه‌های خطی آقابزرگ (به نشانی <http://www.aghabozorg.ir/>) کار جستجوی متون خطی در ایران آسان‌تر شده است. با

این همه، جای درهم‌کردی از فهرست‌های موجود با موضوع زرده‌شته، که دست‌کم فهرستی از گنجینه‌های باقی‌مانده را نشان بدهد، همچنان خالی است.

ب. متن‌های فارسی زرده‌شته در هند

گنجینه‌های موجود در کتابخانه‌های بزرگ پارسیان کتابخانه مهرجی‌رانا

دستور مهرجی‌رانا^۱، یا دستور مهرجی‌رانای نخست، در ۹۰۵/۱۵۳۴ در دودمانی موببدی اهل شهر نوساری^۲ در سرزمین گجرات هندوستان زاده شد. نام اصلی او ماهیار پسر راناجسانگ^۳ است. او شهرت و ترقی خویش را مدیون دربار اکبرشاه، پادشاه سلسله گورکانی هندوستان، است. اکبرشاه، که به ادیان بزرگ جهان توجه نشان می‌داد، مهرجی‌رانا، پریستار آتش و آموزگار کیش زرده‌شته، را به دربار خویش فراخواند. مهرجی‌رانا سال‌های ۱۵۷۸-۱۵۷۹ را در آنجا سپری کرد و اکبرشاه او را مورد تقدّم فراوان قرار داد و املاکی در حومه نوساری به او بخشید و بدین ترتیب مهرجی‌رانا در میان زرده‌شیان نیز آوازه بسیار یافت (مودی ۱۹۰۳-الف: ۱۷۶). یکی از نوادگان او به نام دستور ایرج جی سهراب‌جی مهرجی‌رانا در منظومة ماهیارنامه شرح حضور وی در دربار اکبرشاه را سروده است (شهمردان ۱۳۶۳: ۹۷). شهرت، ثروت، رسالت و تعهد دینی خاندان مهرجی‌رانا سبب شد تا اعضای این خانواده در گردآوری و حفظ میراث پارسیان بکوشند و رهبری آنان را در دست داشته باشند، چنان‌که دستور ایرج جی سهراب‌جی در سده سیزدهم یزدگردی متون فراوانی از میراث پارسیان را گردآوری و کتابت کرد. در سال ۲۰۱۰ نیز دستور کیخسرو نوروز، دستور مهرجی‌رانای هفدهم، از سوی جامعه دینی نوساری به این مقام شامخ دینی در جامعه‌ی پارسی دست یافت (نک: پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه مهرجی‌رانا).

کتابخانه مهرجی‌رانا^۴ در ۱۸۷۲ از ماترک خانواده مهرجی‌رانا و دیگر مجموعه‌های اهدایی، در شهر نوساری بنیان نهاده شد. این مرکز در سال‌های ۱۹۶۷، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۹ از محل موقوفات خیرین پارسی مرمت شد و توسعه یافت و امروزه به عنوان یکی از

1. Meherji Rana

3. Rana Jesang

2. Navsari

4. Meherji Rana Library

کتابخانه‌های مجّہز و دارای امکانات مناسب، پذیرای دانش‌پژوهان حوزهٔ مطالعات زردشتی است. وب‌گاه این کتابخانه (به نشانی /<http://www.meherjiranlibrary.com>/ در فضای مجازی در دسترس است.

گنجینهٔ دست‌نوشته‌های کتابخانهٔ مهرجی‌رانا برای شناخت متون و روایات فارسی زردشتی اهمیّت فراوان دارد. این گنجینه، از مجموعه‌های اهدایی دستوران دودمان مهرجی‌رانا از جمله مجموعه‌های زیر پدید آمده است: ۱. مجموعهٔ دستور جمشید سه‌راب جی و فرام‌جی^۱ سه‌راب‌جی مهرجی‌رانا. ۲. مجموعهٔ رستم‌جی کیقادجی مهرجی‌رانا. ۳. مجموعهٔ ایدل‌جی^۲ نوروزجی مهرجی‌رانا. ۴. مجموعهٔ ایرج‌جی سه‌راب‌جی مهرجی‌رانا (۱۸۲۶–۱۹۰۰م)، کتابدار کتابخانهٔ ملا‌فیروز در بمبئی که حدود ۷۵ نسخه را برای کتابخانهٔ مهرجی‌رانا به خط خود کتابت کرده است. ۵. مجموعهٔ اهدایی جمشید‌جی مانکجی اونوala. ۶. مجموعهٔ مهرجی ناوروجی کوتار^۳ (مجموعه‌های ۵ و ۶ پس از فهرست سال ۱۹۲۳م دبار اهدا شده‌اند). ۷. آثار اهدایی اخیر از سوی خانواده‌های ساکن نوساری، از جملهٔ بُرخی دست‌نویس‌های اهدایی دستور دکتر کوتوال.^۴

شمار دست‌نویس‌های کتابخانه در مجموع بالغ بر ۶۱۹ نسخه می‌شود (نک: دبار ۱۹۲۳الف: پیشگفتار؛ قس: پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه).

نخستین فهرست کتابخانه در سال ۱۹۲۲م به زبان گجراتی انتشار یافت. یک سال بعد، دبار (۱۹۲۳الف) فهرست ۴۶۹ دست‌نویس آن کتابخانه را به انگلیسی در بمبئی انتشار داد و در سال ۲۰۰۸م فهرست ۱۵۰ نسخه دیگر — اهدا شده پس از سال ۱۹۲۳م — منتشر شد (کوتوال و همکاران ۲۰۰۸). این فهرست‌ها به همراه فهرست آثار چاپی کتابخانه در وب‌گاه آن در دسترس است.

کتابخانهٔ ملا‌فیروز

پشون، پسر ملاکاووس رستم جلال، در ده‌سالگی به همراه پدرش از هندوستان به ایران آمد. ملاکاووس منجمی بود که، از سوی پارسیان طرفدار فرقهٔ تقویم قدیمی (نک: ج ۲) در باروچ^۵، راهی ایران شد تا دربارهٔ حقیقت تقویم و درستی یا نادرستی اعمال کیسه در تقویم زردشتی تحقیق کند. پشون در ایران از سوی دستوران ایرانی به فیروز نامبردار

1. Framji

4. Kotwal

2. Edalji

5. Bharuch

3. Navroji Kutar

گردید و در مکتب خانه‌های ایران و زیر دست موبدان و دستوران ایرانی تحصیل کرد و پرورش یافت. به روزگار حکومت زندیه، پدر و پسر دوازده سال را در جاهای مختلف ایران — از دربار کریمخان زند در شیراز و محافل علمای مسلمان، بهویژه منجمان، گرفته تا مردم کوچه و بازار — سپری کردند. آنان در شهرهای مختلف به گردآوری آثار و نوشه‌های ایرانی، بهویژه متون نجومی، پرداختند. ملا‌فیروز به شعر نیز علاقه داشت و اشعاری هم می‌سرود. او، در اتری به نام سفرنامه یا خردنامه، شرح سفر خویش و پدرش در ایران را به نظم کشیده است. اثر دیگر منظومه‌ای چهل‌هزار بیتی با عنوان جارچ نامه است که او برای حاکم انگلیسی هند، جاناتان دانکن^۱ و در شرح پادشاهی جرج سوم، امپراتور بریتانیا، سروده و، به سال ۱۸۳۷م، برادرزاده‌اش ملأرستم کیقباد آن را منتشر کرده است (نک: رهاتسک^۲: پیشگفتار؛ بُریج^۳: ۱۹۰۱ ش ۶۹). ملا‌فیروز همچنین، با بردن نسخه‌ای از دست‌تیر به هند و شرح و انتشار آن، نقش مهمی در احیای میراث فرقه آذرکیوان داشت (نک: دالوند ۱۳۹۲ ب: ۲۳۷).

از آنجا که ملا‌فیروز پیرو فرقه تقویم قدیمی بود — و سرانجام هم سرکردگی این فرقه را در میان پارسیان به دست آورد — آنچه در مدت زندگی در ایران از آثار زرده‌شته گرد آورد یا خود تألیف نمود، متونی اغلب از ایران یا به زبان فارسی بودند. بر این اساس آنچه او — که از واپسین نمایندگان پارسیان ایران دوست و متکی به سنت ایرانی در میان زرده‌شیان هند است — گرد آورد از گنجینه‌های بسیار مهم در شناخت سنت زرده‌شته، به شمار می‌آید. ملا‌فیروز در ۱۸۳۰م درگذشت و پانچایات (انجمان) پارسیان بمبنی مدرسه معروف ملا‌فیروز را در ۱۸۵۴م تأسیس کرد که کتاب‌ها و ماترک فکری خانواده وی نیز بدان واگذار شد. چندی بعد، در ۱۸۵۷م کتابخانه از مدرسه جدا گردید و تحت مدیریت کمیته‌ای مستقل قرار گرفت. تا سال ۱۹۱۶م که مؤسسه شرق‌شناسی کاما پدید آمد و کتابخانه ملا‌فیروز^۴ نیز بدان پیوست، این کتابخانه یگانه کتابخانه عمومی زرده‌شته در بمبنی بود و کاتب و دانش‌مرد فرهیخته، دستور ایرج جی سهراب‌جی مهرجی‌رانا، آن را اداره می‌نمود (نک: رهاتسک ۱۸۷۳: پیشگفتار).

نخستین بار پژوهشگری اتریشی، به نام ادوارد رهاتسک (درگذشت: ۱۸۹۱م)، فهرستی از گنجینه‌های کتابخانه ملا‌فیروز را تهیه کرد. این فهرست در سال ۱۸۷۳م منتشر شد

1. Jonathan Duncan.

3. Beveridge

2. Rehatsek

4. Mulla Firuz Library

(بوریج ۱۹۰۱: ۶۹). بر اساس این فهرست کتابخانه دارای ۱۸۹۶ اثر در ۱۷۲۹ مجلد بدین شرح بوده است: ۱۱۳ جلد انگلیسی، ۳۹ جلد فرانسه، ۸۹ جلد آلمانی، ۱۷ جلد لاتین، یک جلد یونانی، ۵۷۶ جلد (شامل ۷۲۵ اثر) فارسی، ۱۰۹ جلد (شامل ۱۱۹ اثر) عربی، ۴۰ جلد (شامل ۴۳ اثر) اوستایی، ۲۹ جلد (شامل ۳۷ اثر) پهلوی (فارسی میانه)، ۵۸۸ جلد گجراتی، ۳۸ جلد گجراتی-پهلوی، و بقیه به زبان‌های هندی، پنجابی، سنسکریت و غیره (نک: رهاتسک ۱۸۷۳: پیشگفتار).

در سال ۱۹۱۷م دابار^۱ و بربلوی^۲ فهرست پانزده دست‌نویس دیگر از آن کتابخانه را منتشر کردند تا اینکه سرانجام دابار در ۱۹۲۳م فهرست نهایی کتابخانه، بهویژه آثار حوزه مطالعات زرده‌شی، به زبان‌های اوستایی، پهلوی، فارسی، و گجراتی، را انتشار داد (نک: دابار ۱۹۲۳ب: پیشگفتار). گنجینه‌های کتابخانه ملأفیروز و فهرست دابار امروزه مهم‌ترین مرجع در حوزه مطالعات زرده‌شی و بررسی متون فارسی زرده‌شی هستند.

کتابخانه مؤسسه شرق‌شناسی کاما

مؤسسه شرق‌شناسی کاما^۳ در ۱۹۱۶م، به پاسداشت خدمات خورشیدجی رستم کاما، از روش‌نگران، نویسنده‌گان و پیشگامان مطالعات زرده‌شی در میان پارسیان هند، بنیان نهاده شد. خورشیدجی رستم کاما در مدارس نوین بمبهی درس خواند و با فرهنگ اروپایی آشنا گشت. وی رفته‌رفته تجارت پیشه کرد و پایش به لندن باز شد. به عضویت انجمن‌های فراماسونی درآمد و حتی به مسیحیت گروید. اما پس از هم‌نشینی با ایران‌شناسان اروپایی چون ژول مول^۴، اوژن بورونف^۵، دلفین منان^۶، و فردیش اشپیگل^۷ به اهمیت آموزه‌های زرده‌شی و میراث فکری نیاکان و ارزش زبانی آن پی برد و دوباره به کیش زرده‌شی بازگشت و در تبیین و تبلیغ علمی آن کوشید. وی مدارس نوین زرده‌شی را رونق بخشید و نسل جدیدی از دین پژوهان پارسی را تربیت نمود که نه برآمده از سنت، بلکه پیرو سبک و شیوه پژوهش‌های زبان‌شناسی تاریخی غربی بودند. آنان با ایران‌شناسان پیوند داشتند و متونی فراهم آوردند که تا به امروز به عنوان متون پایه پژوهش‌های زرده‌شی و فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران مورد توجه‌اند. کاوس جی ادال‌جی کانگا،

1. Dhabar

5. Eugène Burounf

2. Brelvi

6. Delphine Menant

3. The K. R. Cama Oriental Institute

7. Friedrich Spiegel

4. Jules Mohl

تهمورس دینشاه انگلسرایی، و ادال جی کرساسپ جی آنتیا، از نخستین دست‌پروردگان او هستند. کاما در پدیدآوردن دانشگاه بمبئی نیز نقش داشت و کرسی آموزش زبان‌های اوستایی و پهلوی را در آنجا تأسیس نمود. او همچنین در ترویج مطالعات جدید زرده‌شی و ایران‌شناسی در میان پارسیان هند تلاش کرد و آثاری به زبان گجراتی در شناخت آموزه‌های زرده‌شی نوشت (نک: راسل ۱۹۹۰: ۷۲۲).

کاما آرزوی بنای مؤسسه‌ای پژوهشی برای پارسیان بمبئی را داشت؛ اما موفق به انجام آن نشد. پس از مرگ او، در ۱۹۰۹، جامعه پارسی و حاکم انگلیسی بمبئی، به فکر عملی ساختن این آرزو افتادند و سرانجام در ۱۸ دسامبر ۱۹۱۶ این مؤسسه آغاز به کار کرد. اهداف اصلی مؤسسه انجام مطالعات شرق‌شناسی، فراهم آوردن امکانات پژوهشی برای پژوهشگران، از جمله اعطای بورسیه‌های پژوهشی به محققان ایران‌شناسی و مطالعات زرده‌شی تعریف شده است. در سال ۱۹۲۲ این مؤسسه انتشار نشریه‌ای^۱ را آغاز کرد که شهرت بسیار یافت. چندی بعد اغلب مؤسسه‌ها، انجمن‌ها و نهادهای علمی و فرهنگی پارسیان در بمبئی، از جمله مدرسه و کتابخانه ملأفیروز، در آن ادغام شدند. مؤسسه در نشر آثار ایران‌شناسان غربی و زرده‌شی پژوهان پارسی گام‌های جدی برداشت و، در نتیجه کمک‌های مالی آن، آثار ارزشمندی به قلم پژوهشگران پارسی چون بهمن جی نوشیروان جی دابار، انگلسرایی، آنتیا، و جهانگیر تاوادیا^۲ پدید آمد. در ۱۹۳۷، ساختمان جدید مؤسسه در خیابان آپولون بمبئی افتتاح گردید. این مؤسسه، در طول بیش از یک سده فعالیت، با دادن خدمات به جامعه پژوهشگران مطالعات زرده‌شی، در حفظ و گسترش میراث فکری پارسیان و پارسی‌پژوهان نقش مهمی داشته است (نک: کانگا ۱۹۹۰: ۷۲۲-۷۲۳).

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مؤسسه، کتابخانه آن است که در بردارنده گنجینه‌های ارزشمند و منحصر به‌فردی از نسخه‌های خطی، چاپی و چاپ‌سنگی نایاب در پهنه ایران‌شناسی، دیانت زرده‌شی، و زبان‌های ایرانی است. کتابخانه در نوامبر ۱۹۱۵، یعنی یک سال پیش از افتتاح رسمی مؤسسه، گشایش یافت. کتابخانه مؤسسه کاما از به‌هم‌پیوستن کتابخانه‌های کوچک و بزرگ و مجموعه‌های شخصی و خانوادگی زیر تشکیل شده است: ۱. کتابخانه شخصی خود کاما، ۲. کتابخانه معروف ملأفیروز، ۳. کتابخانه و مجموعه منحصر به‌فرد مانکجی لیمجی هوشگ هاتریا^۳، ۴. کتابخانه جوان

1. *Journal of the K. R. Cama Oriental Institute*

2. Tavadia.

3. M. L. Hataria.

جی جمشیدجی مودی^۱، ۵. کتابخانه س. ب. باروچا^۲، ۶. کتابخانه ج. ن. تاتا^۳، ۷. کتابخانه بهرام گور تهمورس انکلساریا^۴، ۸. کتابخانه ج. م. اونوالا^۵، ۹. کتابخانه پ. ک. انکلساریا^۶، ۱۰. کتابخانه ج. د. نادرشاه^۷، ۱۱. کتابخانه م. سی. وادیا^۸، ۱۲. کتابخانه م. ن. کوکا^۹، ۱۳. کتابخانه س. ر. انجیرباغ^{۱۰}، ۱۴. کتابخانه پ. ف. مسانی^{۱۱}، ۱۵. کتابخانه ج. ب. واچا^{۱۲}، ۱۶. کتابخانه ج. د. باناجی^{۱۳}، ۱۷. کتابخانه س. ه. باتلی والا^{۱۴}، ۱۸. کتابخانه د. ه. نوشیروان^{۱۵}، ۱۹. کتابخانه ب. م. ایرانی^{۱۶} و ۲۰. کتابخانه م. ب. پاتل^{۱۷}. حاصل این مجموعه‌ها و کتابخانه‌های شخصی و نیز خریدها و اهدایی‌های افراد و اشخاص، سبب شده است تا امروزه دارایی کل کتابخانه به بیست‌هزار جلد کتاب در حوزه‌های مختلف ایران‌شناسی و شرق‌شناسی برسد. از این میزان، تعداد ۱۸۲۸ جلد دست نوشته‌هایی به اوستایی، پهلوی و پازند، و فارسی هستند که اغلب از دو مجموعه و کتابخانه ملأفیروز و مانکجی لیمجی هوشنگ هاتریا بدان انتقال یافته‌اند. این آثار دست نوشته‌های کهن و ارزشمندی هستند که از روزگار صفویه و قاجار از ایران به هندوستان برده شده‌اند (نک: جاماسب آسا ۱۹۹۰: ۷۲۳-۷۲۴).

گذشته از فهرست‌های کتابخانه ملأفیروز، که پیش‌تر اشاره شد، سیدمهדי غروی فهرستی را — هرچند مختصر — از دست نوشته‌های مجموعه مانکجی لیمجی هاتریا موجود در کتابخانه کاما، به سال ۱۹۸۶ م منتشر کرده است. این مجموعه را مانکجی، نماینده پارسیان و امپراتوری بریتانیا در ایران روزگار ناصری، گردآوری و روانه هندوستان کرد و افزون بر آثار زرداشتی، آثار غیر زرداشتی چشم‌گیر دیگری را نیز در بر دارد (نک: غروی ۱۹۸۶). اما باز این دبار بود که، به سال ۱۹۲۳م، فهرستی از آثار خطی و چاپی کتابخانه کاما به زبانهای مختلف را انتشار داد (نک: دبار ۱۹۲۳ج). با این همه، هنوز فهرست کامل و روزآمدی از

-
- | | |
|----------------------|-----------------------|
| 1. J. J. Modi. | 10. S. R. Anjir-baug. |
| 2. S. B. Bharucha. | 11. P. F. Masani. |
| 3. J. N. Tata. | 12. J. B. Vaccha. |
| 4. B. T. Anklesaria. | 13. H. D. Banaji. |
| 5. J. M. Unvala. | 14. S. H. Batlivala. |
| 6. P. K. Anklesaria. | 15. D. H. Noshirwan. |
| 7. J. D. Nadirshah. | 16. B. M. Irani |
| 8. M. C. Wadia. | 17. M. B. Patel |
| 9. M. N. Kooka. | |

تمام گنجینه‌های کتابخانه یادشده در دست نیست. وب‌گاه مؤسسه کاما (به نشانی <http://krcama.org/>) در فضای مجازی در دسترس است. با اینکه این پایگاه، آن‌گونه که شایسته و بایسته اهداف تعریف شده مؤسسه است، خدمت‌رسانی نمی‌کند، ولی فعالیت‌هایی در زمینه برگزاری دوره‌های آکادمیک، سمینارها و سخنرانی‌های علمی و پژوهشی انجام می‌دهد. به هر روی، مؤسسه کاما با همه دشواری‌هایی که بر سر راه دسترسی به گنجینه آن وجود دارد، یکی از مهم‌ترین مراکز مطالعه متون فارسی زردشتی محسوب می‌شود.

گنجینه‌های خطی کتابخانه‌های شخصی پارسیان

در سنچش با میراث دودمان‌های موبدی ایران، اوضاع ثبت و ضبط گنجینه‌های خطی خانواده‌های بزرگ پارسی بسی بهتر است و سال‌ها پیش یکی از فرهیختگان پارسی به نام جمشید کاووس‌جی کاتراک ^۱ فهرستی از دست‌نویس‌های موجود در این گونه کتابخانه‌ها را فراهم آورد. البته این «بهتر بودن اوضاع» تنها در زمینه ثبت بوده است و، چنان‌که نگارنده جسته و گریخته دریافت‌است، بسیاری از کتاب‌ها و کتابخانه‌های یادشده در اثر کاتراک امروزه از میان رفته و یا به مراکز علمی و کتابخانه‌های بزرگ واگذار شده‌اند. کاتراک در ۱۹۴۱م فهرست خود را با نام گنجینه‌های شرقی^۲ در بمبئی انتشار داد. او این کار را به سفارش و به‌واسطه بورس اعطایی مؤسسه کاما به انجام رسانید (نک: کاتراک ۱۹۴۱: پیش‌گفتار). او بیش از یک‌هزار دست‌نویس به زبان‌های قدیم تا جدید ایرانی و هندی — از اوستایی و پهلوی تا فارسی نو و از سنسکریت تا هندی و پنجابی و گجراتی — متعلق به ۶۳ کتابخانه و مجموعه شخصی پارسی را بررسی کرده است. از این میان، ۳۲ مجموعه در بندر سورات^۳ و پیرامون آن، و بقیه در شهرهای باروج^۴، بولسار^۵، اودوادا^۶، نوساری^۷، نارگل^۸، سروندا^۹، بمبئی^{۱۰} و دیگر شهرهای ایالات گجرات و ماهاراشترا^{۱۱} هند بوده‌اند (همان: پانزده).

حاصل تلاش کاتراک، فهرستی از دارایی‌های شخصی پارسیان، به‌ویژه سیاهه‌ای از متون فارسی زردشتی و میزان تفویز زبان فارسی در میان آن‌ها، را به‌دست می‌دهد. گرچه بی‌گمان،

1. Jamshid Cawasji Katrak

6. Udvada

2. The Oriental Treasures

7. Navsari

3. Surat

8. Nargol

4. Bharuch

9. Saronda

5. Bulsar

10. Bombay (i.e. Mumbai)